

## واکاوی تأثیر فضای سایبر در افزایش مشارکت سیاسی و اثر آن در سطح سرمایه اجتماعی شهروندان ایران

افشین متقی<sup>۱</sup>، آرش قربانی سپهر<sup>۲</sup>، زهرا انصاری<sup>۳</sup>

### چکیده

در عصر حاضر، گرایش به مشارکت سیاسی در میان شهروندان به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی در نظام‌های دموکراتیک، ماهیتی جدید یافته است. بنابراین، در قرن بیست و یکم با نفوذ گسترده رسانه‌های جمعی به ویژه شبکه‌های اجتماعی و ابزارهای پیام‌رسان موبایلی، ابعاد مختلف فضای زندگی انسان را به طور عام و کنشگران سیاسی آن، به طور خاص هر چه بیشتر در محدوده و تحت تأثیر این پدیده‌های فناورانه نوظهور در عصر اطلاعات و جامعه اطلاعاتی قرار داده است. این گسترش فضای سایبر در دوران کنونی بخش جدایی ناپذیر زندگی انسان‌ها می‌باشد. هدف پژوهش حاضر تحلیل اثربخشی نقش شبکه‌های اجتماعی در افزایش خودآگاهی و تأثیر مستقیم آن در افزایش مشارکت سیاسی و افزایش سطح سرمایه اجتماعی در ایران می‌باشد. لذا، پژوهش حاضر در صدد آن است تا به این سؤال که، آیا با افزایش شبکه‌های اجتماعی در ایران مشارکت سیاسی و در نهایت سطح سرمایه اجتماعی بالا خواهد رفت؟ بر این اساس فرضیه تحقیق این است که به نظر می‌رسد با افزایش شبکه‌های اجتماعی و استفاده از آن، سطح مشارکت سیاسی و سرمایه اجتماعی در ایران افزایش خواهد یافت. روش تحقیق در این مقاله، توصیفی-تحلیلی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که، افزایش قدرت شبکه‌های مجازی در کشور باعث افزایش خودآگاهی جامعه و افزایش سطح مشارکت سیاسی خواهد شد و در نهایت سطح سرمایه اجتماعی را بالا خواهد برد و افزایش سطح سرمایه اجتماعی باعث افزایش سطح سرمایه اقتصادی و فرهنگی می‌شود که نتیجه آن توسعه سیاسی کشور خواهد بود.

**واژگان کلیدی:** شبکه‌های اجتماعی، مشارکت سیاسی، سرمایه اجتماعی، فضای سایبر، ایران.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۸/۱۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۳/۱۲

<sup>۱</sup> دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (Email: a.mottaghi@khu.ac.ir)

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (Email: ar.ghorbanisepahr@mail.um.ac.ir)

<sup>۳</sup> کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (Email: Ansari.zahra@ymail.com)

## مقدمه

از جمله مباحثی که همواره به عنوان یک موضوع مهم مطرح بوده و توجه جوامع بشری را به خود معطوف ساخته است مقوله مشارکت سیاسی و تعیین حدود و ثغور آن است، از سوی دیگر افرادی که در یک جامعه زندگی می کنند نسبت به هم حقوقی دارند. حق به عنوان زیبا ترین و پسندیده ترین واژه آفرینش در تمامی ادیان و جوامع بشری مورد توجه قرار گرفته است در واقع هر فردی از هر دو طبقه اجتماعی و از هر دین و ملیت، نسبت به ادای حقوق دیگران مسئول است و این مطلب حق و حقوق را فرا زمانی و فرا مکانی می کند. در واقع حقوق شهروندی آمیخته ای از وظایف و مسئولیت های شهروندان در قبال یکدیگر است و بشر حق سالم زیستن دارد و هیچ کس حق ندارد او را از این حق محروم کند (Ghorbani sepehr and Janparvar, 2017, P1). بدین ترتیب مشارکت سیاسی یکی از شاخصه های جامعه دموکراتیک بوده و نوعی تظاهر علنی مردم برای تعیین سرنوشت جمعی خود است، همچنین میزان حضور مردم در پای صندوق های رأی، یکی از شاخص های توسعه سیاسی در هر کشوری محسوب می شود و نمایانگر تعلق خاطر مردم به کشور و سرزمین خود است، مشارکت سیاسی ملت ایران در انتخابات دوره های مختلف بی نظیر بوده و به عنوان الگویی برای سایر کشورهاست در حالی که در کشورهای مدعی دموکراسی خبری از جریان یافتن ایده های مردمی در سطوح بالا نیست. با ورود وسایل ارتباط جمعی به عرصه ی اجتماع قدرت دچار تحول شد و اطاعت پذیری جامعه تحت تأثیر شیوه های ناپیدا و غیر ملموس اقناع و تبلیغ قرار گرفت (Ahrari, 2004, P108). مشارکت به معنای حضور آگاهانه در عرصه سیاسی و اجتماعی است. ویژگی اساسی چنین حضوری، خیرخواهی همراه با تفکر و تعقل است (Kohen, 1994, P43). بر این مبنا، در مشارکت عمومی به مردم فرصت داده می شود که در تعیین سرنوشت و ساختن آینده خود شریک و سهیم شوند. برخی از فعالیت هایی که دربرگیرنده موارد مختلف مشارکت اجتماعی است، عبارتند از: معرفی و شناسایی مجرمین در کلیه موارد، رأی دادن، نام نویسی، فعالیت برای جمع آوری آراء و ثبت نام رأی دهندگان، مقاله نویسی و سخنرانی و عضویت در انجمن ها و شوراها و...، جست و جوی اطلاعات، بحث کردن و پذیرش مردمی جدید، شرکت در میتینگ های سیاسی، کمک مالی به ستادهای انتخاباتی نامزدها، ارتباط داشتن با نمایندگان، شرکت در امور عام المنفعه، مشارکت در پروژه ها و طرح های عمرانی، شرکت در تأسیس تشکل های صنفی، مشارکت در برنامه های حمایت از محیط زیست و نظایر آن (Colman, 1998, P37). از این روی، سرمایه اجتماعی را می توان به معنی هنجارها و شبکه هایی دانست که امکان مشارکت مردم در اقدامات جمعی را به منظور کسب سود متقابل فراهم می کند. این مفهوم را بیشتر با سطح اعتماد اجتماعی و میزان عضویت در انجمن های رسمی و غیر رسمی می سنجند. سرمایه ی اجتماعی، مفهومی ترکیبی است که «موجودی» و میزان این هنجارها و شبکه ها را در یک جامعه تشریح می کند. هنجارها و شبکه ها را جزء منابع سرمایه اجتماعی به حساب می آورند که با به کار بردن آن ها، نتایجی چون رابطه متقابل، رفتار غیر خودخواهانه و اعتماد عاید جامعه می شود. از این منظر، سرمایه ی اجتماعی یکی از عناصر مهم قدرت «جامعه مدنی» است (Tajbakhsh, 2005, P156). بدین ترتیب امروزه شبکه های اجتماعی به مردم قدرتی می دهند تا دانسته ها و مطالب دلخواه خود را به اشتراک بگذارند و ارتباطات را در جهان افزایش دهند. در زمان های مختلف به خصوص ایام انتخابات، شبکه های اجتماعی مجازی برای پوشش رویدادهای سیاسی بسیار فعال هستند و افراد به عنوان یکی از راه های اساسی دسترسی به اطلاعات و اخبار از آنها استفاده می کنند (Tabibi Jebeli et al, 2017, P62). بنابراین در این پژوهش سعی شده است نقش فضای سایبر در افزایش مشارکت سیاسی و سرمایه اجتماعی شهروندان ایرانی بررسی شود. بر این مبنا، تحقیق حاضر در صدد آن است تا به این سؤال که، آیا با افزایش شبکه های اجتماعی در ایران مشارکت سیاسی و در نهایت سطح سرمایه اجتماعی بالا خواهد رفت؟ بر این اساس فرضیه تحقیق این است که به نظر می رسد با افزایش شبکه های اجتماعی و استفاده از آنها سطح مشارکت سیاسی و سرمایه اجتماعی در ایران افزایش خواهد یافت.

### پیشینه تحقیق

با مطالعه روند تکامل علوم، متوجه می‌شویم که این روند مرحله به مرحله صورت گرفته و کارهای انجام شده در گذشته، در حقیقت اساس و زیر بنای تحقیقات جدید بوده‌اند. بنابراین یکی از خصیصه‌های پژوهش علمی توجه به کارهای پیشینیان است. این کار سبب می‌شود که پژوهشگر از دوباره کاری در تحقیق پرهیز نماید و به جای اتلاف وقت به تکمیل یافته‌های گذشتگان بپردازد. مزیت دیگر اطلاع از کارهای صورت گرفته مربوط به موضوع تحقیق این است که پژوهشگر می‌تواند با مراجعه به آن‌ها اطلاعات خود را بالا ببرد و با دیدی وسیع به موضوع مورد تحقیق بنگرد. بر این اساس، در پژوهش حاضر سعی شده است تا منابع و مآخذی که دارای ارتباط تنگاتنگ با موضوع مقاله‌اند، به‌طور اجمالی در جدول شماره ۱ بررسی و از مطالب آن‌ها به نحو مطلوب استفاده گردد.

جدول (۱): برخی از پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه مشارکت سیاسی و سرمایه اجتماعی

ردیف	پژوهشگر	توضیحات
۱	رابرت پاتنام	پاتنام در بخشی از تحقیق خود تحت عنوان "جامعه‌ی برخوردار: سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی" به بررسی نهادهای مدنی در ایتالیا پرداخته است. وی خاطر نشان می‌سازد که برخی مناطق ایتالیا از قبیل امیلیا رومانا و توسکانی دارای سازمان‌های مدنی بسیار فعال هستند. شهروندان این مناطق در مسائل عمومی مشارکت دارند نه در شبکه‌های ارباب مشتری. آنها اطمینان دارند که دیگران نیز عادلانه عمل می‌کنند و از قوانین پیروی می‌کنند. رهبران این جوامع نسبتاً صادق هستند و به برابری پایبندند. شبکه‌های اجتماعی و سیاسی به صورت افقی سازماندهی شده‌اند نه سلسله‌مراتبی. این «جوامع مدنی» همبستگی، مشارکت مدنی، و درستکاری را ارزشمند می‌شمارند.
۲	امام جمعه زاده و همکاران (۱۳۹۱)	در پژوهشی به بررسی "رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان" پرداخته‌اند. نمونه آماری این پژوهش را ۱۸۸ نفر از دانشجویان دانشگاه اصفهان تشکیل داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که بین ابعاد سرمایه اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان همبستگی معناداری وجود دارد.
۳	جهانگیری و ابوترابی زارچی (۱۳۹۱)	در پژوهشی به "بررسی تأثیر میزان استفاده از رسانه‌های جمعی بر مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی دانشجویان دانشگاه شیراز" پرداخته‌اند. نمونه آماری پژوهش آنان را ۴۳۰ نفر از دانشجویان دانشگاه شیراز تشکیل داده‌اند و یافته‌های تحقیقی آنان نشان داده است که بین استفاده از رادیو، تلویزیون داخلی، روزنامه، مجله و مؤلفه‌های فرهنگی سیاسی (ارزشها، باورها و احساسات سیاسی) رابطه مثبت معناداری وجود دارد. همچنین رابطه منفی معناداری بین مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی و میزان استفاده از اینترنت و ماهواره به چشم می‌خورد.
۴	عبداللهی (۱۳۸۷)	در "بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی"، اعتماد و مشارکت را به عنوان عناصر اصلی سرمایه اجتماعی و رابطه آنها با توسعه همه‌جانبه روستایی مورد بررسی قرار داده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که طبق گونه‌شناسی‌ای که محققان از اعتماد اجتماعی دارند، متغیرهای اعتماد به همسایه‌ها و اهالی روستا، اعتماد نهادی و سن، رابطه معناداری با مشارکت اجتماعی داشته‌اند و همین‌طور با افزایش شعاع اعتماد افراد در جامعه روستایی، میزان مشارکت اجتماعی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد (عبداللهی، ۱۳۸۷:۱۲۸).
۵	پناهی و عالیزاده (۱۳۸۴)	در پژوهشی به "بررسی تأثیر وسایل ارتباط جمعی بر مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی" پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهشی آنان نشان داده است که وسایل ارتباط جمعی در بلند مدت و به طور غیرمستقیم، از طریق عواملی همچون فرهنگ سیاسی، اثربخشی سیاسی و انگیزه‌های سیاسی بر مشارکت سیاسی تأثیر می‌گذارند.

۶	دی.ال. شت	ضمن تأکید بر متغیرهای درآمد، شغل، تحصیلات و مجموع شاخص‌های پایگاه اقتصادی و اجتماعی با شهرنشینی، عضویت سازمانی مؤثر در میزان مشارکت سیاسی افراد گویای آن است که سواد یکی از متغیرهای بسیار قدرتمند و مؤثر بر میزان مشارکت است.
۷	مایکل راش	راش عقیده دارد که شواهد فراوانی وجود دارد که مشارکت سیاسی در تمام سطوح، بر اساس پایگاه اقتصادی، اجتماعی، تحصیلات، شغل، جنسیت، سن، مذهب، قومیت، منطقه و مکان سکونت، شخصیت، محیط سیاسی یا زمینه‌ای که مشارکت در آن اتفاق می‌افتد، متفاوت است.

### مبانی نظری

#### شبکه‌های اجتماعی

مفهوم شبکه اجتماعی، اولین بار در سال ۱۹۴۰ در حوزه مطالعات انسان‌شناسی توسط رادکیلیف براون معرفی شد پس در اواسط دهه ۱۹۵۰ این مفهوم توسط بوت و بارنز مورد استفاده قرار گرفت. وی مدعی است که میان اجزای مختلف جامعه چه در سطح خرد و چه در سطح کلان شبکه‌های تعاملی وجود دارد (Shabani, 2011, P55). مفهوم شبکه بر این حقیقت تأکید دارد که هر فرد گره‌های ارتباطی با دیگر افراد دارد با افرادی که هر کدام از آنها به نوبه خود به عده‌ی کم، متوسط یا زیادی از دیگران گره خورده‌اند. برای درک بهتر شبکه تبیین دو مفهوم جامعه و اجتماع ضروری به نظر می‌رسد. تفاوت جامعه و اجتماع در این مهم نهفته است که اساس شکل‌گیری اجتماعی مهندسی اجتماعی است. طبق تعریف، اجتماع مجموعه‌ای از افراد است که بر اساس هدفی مشترک در یک زمان و مکان خاص دور هم جمع می‌شوند و ممکن است پس از یک دوره زمانی دیگر وجود نداشته باشد اما جامعه از اجتماع‌های گوناگون در موضوعات و حوزه‌های مختلف تشکیل شده است. با این ویژگی که زمان، مکان و مدت انقضا ندارد. حال به واسطه ارتباط افراد در همان اجتماع، شبکه تشکیل می‌شود. بر این اساس شبکه اجتماعی به مجموعه‌ای از افراد که به صورت گروهی با یکدیگر ارتباط داشته و مواردی مانند اطلاعات، نیازمندی‌ها، فعالیت‌ها و افکار خود را به اشتراک می‌گذارند اطلاق می‌شود (Jafarpour, 2011, P112).

آنچه که شبکه‌های اجتماعی سایر (مجازی) را از شبکه‌های اجتماعی فیزیکی متمایز می‌سازد نه بنیان‌های تئوریک آن بلکه متفاوت بودن بستر و ساز و کارهای ارتباطی و شیوه تعامل است. شبکه‌های اجتماعی سایر یکی از بسترهای زندگی در عرصه اطلاعات است که روابط رسمی و بوروکراتیک از آن رخت بر بسته و تعامل در آن آسانتر و فارغ از دغدغه‌های جاری در فضای فیزیکی صورت می‌گیرد (Khaniki, 2011, P75). شبکه‌های اجتماعی در واقع نوعی رسانه اجتماعی محسوب می‌شوند که توانسته‌اند بسترهای لازم را برای تغییرات اجتماعی فراهم کنند تاریخ رسانه‌های اجتماعی به ۱۹۷۸ برمی‌گردد یعنی زمانی که دو تبلیغات‌گر کامپیوتری دوستانشان به اشتراک بگذارند (Pamela, 2013:45). بنابراین، شبکه‌های اجتماعی مجازی، نسل جدیدی از وب سایت‌های اینترنتی هستند. در این وب سایت‌ها، کاربران اینترنتی حول محور مشترکی به صورت مجازی با هم جمع می‌شوند و جماعت‌های آنلاین را تشکیل می‌دهند. شبکه‌های اجتماعی، متناسب با نوع موضوع فعالیتشان امکانات دیگری را از قبیل خبرخوان‌های اینترنتی، بازی‌های آنلاین، قابلیت آپلود کردن ویدیوها و فایل‌های کامپیوتری و برقراری ارتباط با سایر رسانه‌های شخصی را نیز در گزینه‌هایشان دارند (Ghasemzadeh, 2011).

#### مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی<sup>۱</sup> عبارت است از رفتار و اقدامات شهروندان برای تأثیرگذاری بر اتخاذ تصمیم‌هایی که نمایندگان و مقامات دولتی اخذ می‌کنند که به صورت اقدام و عملی در جهت اعتراض به نتیجه‌ی اتخاذ سیاست‌ها و یا تغییر در نگرش تصمیم‌گیرندگان نسبت

<sup>۱</sup> Political participation

به موضوعات مورد نظر است. برخی صاحب نظران سه حالت متمایز را برای مشارکت سیاسی در نظر گرفته‌اند: رأی دادن، مبارزه انتخاباتی<sup>۱</sup> و نفوذگذاری<sup>۲</sup>. این سه نوع از نظر درجه‌ی تعارض نهادی و میزان و تلاش ابتکار فردی متفاوت است. در میان سه نوع مشارکت، نفوذگذاری بیشترین تعارض را با رأی دادن دارد. رأی دادن دارای نهادی‌ترین تعارض و نفوذگذاری دارای کمترین تعارض بوده است، در حالی که رأی دادن مستلزم کمترین ابتکار شخصی و نفوذگذاری دارای بیشترین ابتکار عمل است (Ghavvam, 2010, P139-144). اگر بپذیریم که دموکراسی در عمل به معنای مشارکت و رقابت سیاسی تعدادی از گروه‌ها و منافع سازمان یافته به منظور تصرف قدرت سیاسی و اداره‌ی کشور بر حسب سیاست‌ها و مواضع هر یک از آن گروه‌هاست، در آن صورت احزاب سیاسی و انتخابات کانون و هسته‌ی اصلی زندگی دموکراتیک را تشکیل می‌دهد. مشارکت سیاسی بدون رقابت سیاسی، مشارکت دموکراتیک به شمار نمی‌رود، همچنان که در بسیاری از کشورهای توتالیتر اکثر مردم در انتخابات شرکت می‌کنند. همچنین در حکومت‌های خودکامه و دیکتاتوری مردم به شیوه‌های گوناگونی به پای صندوق‌های رأی کشانده می‌شوند (Bashirieh, 2003, P375-376).

با شکل‌گیری دموکراسی و توسعه‌ی حق رأی همگانی، انتخابات، یکی از مهم‌ترین جلوه‌های زندگی سیاسی در دنیای امروز شد. انتخابات یکی از شاخصه‌های توسعه‌ی سیاسی و بیانگر نقش مردم در حکومت محسوب می‌شود. قوانین انتخاباتی، اجرا و میزان مشارکت مردم در انتخابات، مبین رابطه‌ی حکومت و مردم و ترسیم‌کننده‌ی وضعیت اجتماعی است (نیک پور و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۰۰). از نظر برخی از اندیشمندان علوم سیاسی، مشارکت به معنای حضور آگاهانه در عرصه سیاسی و اجتماعی است. ویژگی اساسی چنین حضوری، خیرخواهی همراه با تفکر و تعقل است (Kohen, 1994, P44).



شکل (۱): سلسله مراتب مشارکت سیاسی (Raush, 2003, P126)

راش معتقد است که مفهوم سلسله مراتب مشارکت سیاسی لزوماً متضمن فعالیت در یک سطح به عنوان پیش شرط فعالیت در سطح دیگر نیست، همچنین نیازی نیست که در آن اعتراض به منزله شکل خاصی از فعالیت به صورت سلسله مراتبی متمایز شود. او هدف سلسله مراتب را توصیف انواع گوناگون مشارکت سیاسی در ارتباط با این گزاره می‌داند که هر چه سطح فعالیت بالاتر باشد، میزان

<sup>1</sup> Election campaign

<sup>2</sup> Penetration

مشارکت سیاسی که بر حسب تعداد درگیر در یک فعالیت معین سنجیده می‌شود، پایین‌تر است. همچنین اضافه می‌کند که اهمیت سطوح مختلف مشارکت سیاسی ممکن است از یک نظام سیاسی به نظام سیاسی دیگر فرق کند و سطوح معین ممکن است در یک نظام اهمیت بیشتری داشته باشد و در نظام دیگر چندان اهمیتی نداشته باشد. به نظر راش، مشارکت با تأثیر عوامل زیر تغییر می‌کند: «انگیزه‌های سیاسی، موقعیت اجتماعی، ویژگی‌های شخصی، محیط سیاسی، مهارت‌ها، منابع، تعهد و اثربخشی سیاسی» این احساس که می‌توان در سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها تأثیر گذاشت (Rausch, 2003, P126-127). از این‌رو مایکل رایش سلسله مراتب مشارکت سیاسی را به شکل (۱) ترسیم نموده است.

بنابراین می‌توان آن‌گونه که شایسته و بایسته است منظور از مشارکت سیاسی را در سخنان رهبری یافت؛ دخالت در سرنوشت سیاسی جامعه به منظور تصمیم‌سازی و نقش‌آفرینی در فرایند سیاسی کشور است. مشارکت مردم در انتخاب رهبری، رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس و سایر مسئولان به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، نمونه‌های عینی مشارکت سیاسی به شمار می‌رود (<http://www.isu.ac.ir>). در اهمیت مشارکت سیاسی آگاهانه و فعال از نظر رهبر معظم انقلاب بر این نکته تأکید می‌کنیم که از دیدگاه ایشان، آگاهی و تحلیل سیاسی همچون آب و هوا برای مردم ضروری است و نیز مردم باید به حقوق خود واقف باشند.

### خودآگاهی

خودآگاهی<sup>۱</sup>، به مجموعه ارزش‌ها، نمادها و جهان‌بینی‌هایی اشاره دارد که مردم، آگاهانه برای معنا بخشیدن به زندگی خود بدان‌ها متوسل می‌شوند و یا آنها را تولید می‌کنند. از این‌رو خودآگاهی مقوله‌ای «طبیعی» یا «ذاتی» نیست، بلکه ماهیت فرهنگی یا تاریخی دارد. خودآگاهی‌ها احتمالاً در طی زندگی به دست می‌آیند و تحول می‌یابند. خانواده، مدرسه، رسانه‌های جمعی، دستگاه‌های دولتی، ساختارهای گفتگومانی یا ایدئولوژیک فرایند بسیج سیاسی و سایر عوامل در تشکیل یا تغییر خودآگاهی‌ها تأثیر می‌گذارند. همچنین، در نتیجه عملکرد عوامل گوناگون ممکن است خودآگاهی متعدد و متنوعی در فرد پدید آید. مهم‌ترین خودآگاهی‌ها و هویت‌های فردی و جمعی را می‌توان به خودآگاهی‌های محلی و ملی، قومی و نژادی، فرهنگی-زبانی، مذهبی-فرقه‌ای، جنسی، طبقاتی، سیاسی-حزبی، سنی-نسلی تقسیم کرد (Bashirieh, 2002, P119). تکامل، یک جریان تدریجی است که عبارت است از یک رشته تعینات پی در پی آزادی که از صورت معقول یا مفهوم خود آن یعنی ماهیت آزادی در جریان تکاملش به سوی خودآگاهی ناشی می‌شود. ماهیت جدلی (دیالکتیکی) صورت معقول، در خور آن است که خود به خویش تعین بخشد، تعیناتی پی در پی به خود بگیرد و به تدریج از آنها فراگذرد و غنی‌تر شود. هر مرحله از این جریان اصل خاص خود را دارد که سرشت روح هر قوم را پدید می‌آورد. هر اصل تاریخی در شکل انضمامی خود، ترجمان همه جنبه‌های خواست و آگاهی و سراسر کوشش آن قوم و شاخص مشترک دین و نظام‌های سیاسی، اخلاقی و دانش و هنر، چیره دستی‌های فنی آن قوم است (Hegel, 1957, P686). یکی از عناصر اساسی سیر تکامل تاریخ، پایداری هر قوم یا کشور و پایداری زمینه‌های سامان یافته زندگی آن است ولی عنصر دیگر تکامل تاریخ آن است که سیر زندگی یک قوم به دلیل فرسودگی و به سرآمدن عمر نهادهای اجتماعی آن گسسته شود تا تاریخ جهان و روح جهان به پیشرفت خود دوام دهند (Hegel, 1957, P606).

به اعتقاد هگل<sup>۲</sup> جریان تاریخ بیش از همه در دیالکتیک خدایگان و بنده مشخص است. زیرا در این دیالکتیک است که می‌توان دید چگونه به میزان پیشرفت خودآگاهی، آزادی وجود خواهد داشت. اما چرا خودآگاهی مطرح می‌شود؟ چون سیستم فلسفی هگل جز این را برنمی‌تابد. ساختمان است که ستون‌ها و همه مصالحش خودآگاهی است. این حرکت ذهن است که از بی‌واسطه‌ترین مقولات آغاز می‌شود و به مطلق می‌رسد و این خود تاریخ است، تاریخ زندگی ذهن، تاریخ چگونگی نمایان شدن روان است در کائنات. بنابراین هر قوم، روح خاصی دارد که وابسته به اصل یا اصول معینی است. روح از جنس اندیشه است و فقط با اندیشه شناخته می‌شود.

1. Self-awareness

2. Hegel

دین، علم و هنر نمود تکامل اقوام هستند. همه انسان‌ها به صورت فردی غایاتی را جست و جو می‌کنند که با غایات دیگران متفاوت است. این غایات مبنایی جز خواست‌های جزئی ندارند. حال اقوامی که هر یک غایت ویژه مبتنی بر اصول خاص خویش را جست و جو می‌کنند. رتبه‌بندی اقوام برای هگل بر اساس خودآگاهی ایشان صورت می‌گیرد. مهم‌ترین عنصر خودآگاهی را هگل، درک استقلال می‌داند و این استقلال در اصل فدا کردن خواسته‌های خویش برای خواست کلی است. آزادی هگلی دقیقاً همین است. این آزادی در فرایند فراز و نشیب حرکت دیالکتیکی به دست می‌آید. طبیعی است که حاکمیت عقل بر تاریخ و قائل شدن به معنا و غایت برای آن به این مسأله می‌انجامد که اقوامی می‌توانند از خودآگاهی برخوردار باشند که خویش را با این معنا تطابق دهند و غایت خویش را "عقل" قرار دهند. اما باید توجه داشت که در دولت است که آزادی و تاریخ جایگاه خود را می‌یابند. اخلاق به طور کلی در دولت نهفته است تا فرد در آن شرکت جوید (Ravech, 2003, P91). به اعتقاد هگل؛ یکی از مهم‌ترین ابزارهای حرکت تاریخ، شورمندی‌های افراد انسانی است که در نهایت با "خودآگاهی" و "عقلانیت"، جهت کلی خویش را باز می‌یابد.

### فضای سایبر

واژه‌ی "فضای سایبر" اولین بار توسط ویلیام گیبسون<sup>۱</sup> در رمان معروف نیورمنسر<sup>۲</sup> در سال ۱۹۸۴ مطرح گردید. این نویسنده، فضایی دور و تاریک را در آینده توصیف کرد و آن را مخزنی عظیم برای داده‌ها و اطلاعات عنوان نمود که فعالیت‌های الکترونیکی در داخل آن انجام می‌گیرد (Technology Rights Newsletter, 2003, P3). فضای سایبر به عبارت دیگر محیطی است که آن فعالیت‌های گوناگون در ابعاد داده‌ورزی و اطلاع‌رسانی، ارتباطات و ارائه‌ی خدمات، مدیریت و کنترل از طریق سازوکارهای الکترونیکی و مجازی انجام می‌پذیرد (Sadri and Karroubi, 2005, P58). در این راستا، فضای سایبر دارای تأثیرات گوناگون بر جوامع انسانی در فضای حقیقی است که در قالب مزایا و معایبی در جامعه، جلوه‌گر خواهد بود. می‌توان این نکته‌ی مهم را متذکر شد که نمی‌توان فضای سایبر را یک فضای بی‌طرف و خنثی دانست. این فضا متشکل از فرصت‌ها و مزایا و در مقابل آن، آسیب‌ها و تهدیدات متعددی می‌باشد که پیش‌روی کاربران، گروه‌ها، جامعه، حکومت و دولت‌ها است. به عنوان یکی از همین موارد در این فضا می‌توان به شبکه‌های اجتماعی سایبری اشاره کرد که می‌توانند در نظم و امنیت کشور اختلال ایجاد کنند (Ansaari et al, 2018, P205). به دلیل این که شبکه‌های اجتماعی یکی از منابع قدرت نرم<sup>۳</sup> محسوب می‌شوند، الزام است تعریفی از مفهوم قدرت نرم ارائه شود. مفهوم قدرت نرم اولین بار توسط جوزف نای<sup>۴</sup> در سال ۱۹۹۹ بدین گونه تعریف شد که "قدرت نرم" توانایی کسب چیزی است که از طریق جذب به جای اجبار بدست آورده می‌شود. این دانشمند و پژوهشگر آمریکایی با این که درهم تنیدگی قدرت نرم و سخت را می‌پذیرد اما معتقد است که قدرت نرم به قدرت سخت وابسته نیست. به عبارت دیگر قدرت نرم عبارت است از توانایی شکل دادن به علایق دیگران و هدایت رفتار آنان بدون بهره‌گیری از زور (Nye, 2004, P4) در زمینه‌ی تروریسم سایبری نیز تعاریف مختلفی ارائه شده است. تروریسم در لغت به معنای هراس و هراس افکنی است. همچنین به کارهای خشونت آمیز و هراس‌انگیز که گروهک‌ها برای رسیدن به اهداف سیاسی خود، دست به انجام آن‌ها می‌زنند، ترور گفته می‌شود (Ashori, 2003, P38). سایبر تروریسم بیشتر به معنای حمله یا تهدید علیه رایانه‌ها، شبکه‌های رایانه‌ای و اطلاعات ذخیره شده در آنها است که به منظور ترساندن یا مجبور کردن دولت یا اتباع آن برای پیشبرد اهداف سیاسی یا اجتماعی خاص، اعمال می‌شود. در تروریسم کلاسیک، مواد منفجره و سلاح‌های گرم، اصلی‌ترین ابزار تروریسم هستند اما مهم‌ترین ابزار تروریست‌های سایبری، رایانه است. در واقع، آنها ترجیح می‌دهند به جای بمب از بایت استفاده کنند (Poornaghdi and Bakhtiari, 2013, P38). در زمینه‌ی تعریف تهدید نیز می‌توان تعاریف مختلفی را ارائه کرد. تهدید در لغت به معنای ترساندن و بیم دادن است (Moein, 2007, )

1. Gibson William

2. Neuromancer

3. Soft power

4. Joseph S.Nye

P355). در اصطلاح هر چیزی که احتمال آسیب‌پذیری را افزایش دهد، تهدید محسوب می‌شود (Sohrabi and Jandaghi, 2005, P80). در اصطلاحی دیگر، هر نوع عملی که جهت دستیابی به اهداف غیرانسانی جهت فساد و سلب امنیت و آرامش و ایجاد زمینه‌ی تعرض و محدودسازی حقوق مشروع انسان‌ها انجام گیرد، تهدید محسوب می‌شود (Jamrasi Farahani, 1995, P141).

#### سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی را می‌توان به معنی هنجارها و شبکه‌هایی دانست که امکان مشارکت مردم در اقدامات جمعی را به منظور کسب سود متقابل فراهم می‌کند. این مفهوم را بیشتر با سطح اعتماد اجتماعی و میزان عضویت در انجمن‌های رسمی و غیر رسمی می‌سنجند. سرمایه‌ی اجتماعی، مفهومی ترکیبی است که "موجودی" و میزان این هنجارها و شبکه‌ها را در یک جامعه تشریح می‌کند. هنجارها و شبکه‌ها را جزء منابع سرمایه اجتماعی به حساب می‌آورند که با به کار بردن آنها، نتایجی چون رابطه متقابل، رفتار غیرخودخواهانه و اعتماد عاید جامعه می‌شود. از این منظر، سرمایه‌ی اجتماعی یکی از عناصر مهم قدرت "جامعه مدنی" است (Tajbakhsh, 2005, P156). بانک جهانی سرمایه اجتماعی را پدیده‌ای می‌داند که حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها بر روی کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی است و تجارب این سازمان نشان داده است که این پدیده تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد و توسعه کشورهای مختلف دارد (IBRD, 1998).

از چند دهه قبل تغییری انقلابی در مفهوم سرمایه وجود آمده و مفهوم سرمایه‌های جدید مطرح شده است. از این رو، این مفهوم (به عبارت دیگر، سرمایه جدید) گسترش فراوانی پیدا نموده و به عرصه‌های دیگری مثل مدیریت دانش، تکنولوژی اطلاعات، ساختار، شبکه‌های اجتماعی و منابع نهفته در شبکه‌ها، گردش اطلاعات، قابلیت‌ها، مهارت‌ها و دانش کارگران نیز اطلاق می‌شود (Sturberg, 2002, P409). دو نوع از معروفترین این سرمایه‌های جدید، که امروزه بسیار از آنها سخن گفته می‌شود، سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی هستند. مفهوم سرمایه اجتماعی پیچیده، چند وجهی و بین رشته‌ای است که توجه بسیاری از صاحب‌نظران را به خود جلب نموده است. سرمایه اجتماعی را اغلب شبکه‌ای از ارزش‌ها و هنجارها به حساب می‌آورند. از زمان طرح این مفهوم تا کنون تحقیقات زیادی درباره‌ی آن صورت گرفته است و تأثیر سرمایه اجتماعی در کاهش مسائل اجتماعی (Fukoyama, 2000, P125). سرمایه اجتماعی نیز یکی از مفاهیم برجسته در علوم اجتماعی است که منشأ پیدایش آن به نیمه دوم قرن بیستم برمی‌گردد. اصطلاح سرمایه اجتماعی قبل از سال ۱۹۱۶ و برای نخستین بار در مقاله‌ی توسط هانی فان<sup>۱</sup> از دانشگاه ویرجینیای غربی مطرح شده است (Alvani and Seyed Naghavi, 2002, P3). اما مفهوم سرمایه اجتماعی تنها در دهه‌ی ۱۹۸۰ بود که به شدت مورد توجه قرار گرفت و توانست با گسترش نظری و تجربی جایگاه تعریف شده‌ی را در میان نظریه‌های جامعه‌شناسی به خود اختصاص بدهد (Tavasoli and Mousavi, 2005, P5). در دهه‌ی ۱۹۸۰، این اصطلاح توسط جیمز "کلمن" جامعه‌شناس در معنای وسیع‌تری مورد استفاده قرار گرفت و "رابرت پاتنام" دانشمند علوم سیاسی، نفر دومی بود که بحث قوی و پرشوری را در مورد نقش سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی هم در ایتالیا و هم در ایالت متحده برانگیخت (Fukoyama, 2005, P10). پس از آن بوردیو در فرانسه ابعاد دیگری از این مفهوم را روشن نمود. او تلاش کرده است که مطالعه سیستماتیک منظمی از سرمایه اجتماعی داشته باشد (Tavasoli and Mousavi, 2005, P5).

در واقع بوردیو، جز اولین محققانی بود که به تحلیل سیستماتیک ویژگی‌های سرمایه اجتماعی پرداخت. استفاده خاص بوردیو از مفهوم سرمایه اجتماعی برای درک این مسئله است که چگونه افراد از سرمایه اجتماعی استفاده می‌کنند تا وضعیت اقتصادی‌شان را در جوامع سرمایه‌داری استحکام بخشند. بوردیو استدلال می‌کند، که در چنین جوامعی، سرمایه اقتصادی منبع بسیار مهمی است و مسئله‌ی که وی به آن می‌پردازد این است که چگونه سرمایه اجتماعی و فرهنگی می‌تواند باعث افزایش سرمایه اقتصادی افراد شود

1. Hanifan



(Winter, 2000, P2). از این رو برای درک افکار بوردیو در مورد سرمایه اجتماعی باید به خاطر داشته باشیم که توجه اصلی وی آن بوده است که به درک سلسله مراتب اجتماعی برسد. بوردیو نیز همانند وبر معتقد است که برای درک این سلسله مراتب تنها توجه به وضعیت اقتصادی افراد و گروه‌ها کافی نیست و باید علاوه بر آن به وضعیت اجتماعی و فرهنگی آن‌ها نیز توجه نمود. وی سرمایه اجتماعی را چنین تعریف می‌نماید: "سرمایه اجتماعی عبارت است از مجموع منابع فیزیکی یا غیر فیزیکی در دسترس فرد یا گروهی که دارای شبکه نسبتاً بادوامی از ارتباطات نهادینه شده با آشنایی‌های دو جانبه و محترم هستند" (Field, 2006, P23-24). بطور کلی باید گفت که مفهوم سرمایه اجتماعی در کارهای پیر بوردیو (۱۹۹۶، ۱۹۹۸) نه تنها تعدیل‌کننده‌ی مهمی برای خوانش‌های هنجاری، تجربی و ذاتی از این مفهوم است بلکه بوردیو از این مفهوم تعریف جامعه‌شناختی بسیار بهتری به عمل می‌آورد. در کارهای وی، سرمایه اجتماعی، به جای آن که یک هنجار باشد به معنای نوعی رابطه‌ی اجتماعی است. از نظر بوردیو سرمایه اجتماعی در بردارنده‌ی یک سری شبکه‌های ارتباطی است که ممکن است به عنوان ابزاری در فرایند تشخیص طبقاتی استفاده شود. در نظر وی، سرمایه اجتماعی مانند سایر سرمایه‌ها (اقتصادی و فرهنگی) در نتیجه کار انسانی و باگذشت زمان انباشت می‌گردد و می‌تواند موجب افزایش سرمایه‌ها شود ولی در عین حال قابل تقلیل به سایر سرمایه‌ها نیست (Lisa, 2005, P197-198).

مهم‌ترین نکته در اندیشه‌ی بوردیو راجع به انواع سرمایه آن است که اشکال گوناگون سرمایه قابل تبدیل به هم هستند. برای مثال سرمایه اجتماعی می‌تواند فرد را وارد روابطی سازد که حاصل آن کسب میزانی از سود به شکل پول یا انواع مالکیت باشد. به همین ترتیب، تحصیلات این قابلیت را دارد که به سرمایه اقتصادی و گاهی نیز به سرمایه اجتماعی تبدیل شود. بدین صورت که تحصیلات و کسب مدارک عالی مشاغل پردرآمدی را در اختیار فرد قرار می‌دهد که با قرار گرفتن در آن موقعیت‌ها می‌تواند نه تنها به پول بلکه به قدرت نیز دست یابد و از نمادهایی هم برای مشروعیت بخشیدن به موقعیت خود استفاده کند. البته موانعی نیز در راه تبدیل انواع سرمایه به یکدیگر وجود دارد. کسانی که سرمایه اقتصادی دارند و تازه آن را بدست آورده‌اند، ممکن است هر چقدر کوشش کنند نتوانند سرمایه فرهنگی را که شامل داشتن سلیقه خوب، یا سخن گفتن به طریقی خاص یا دانستن چند زبان خارجی است، بیاموزند (Momtaz, 2004, P151).

در نهایت این که از نظر بوردیو<sup>۱</sup>، «سرمایه اجتماعی، نتیجه انباشت منابع بالفعل یا بالقوه‌ایست که مربوط به مالکیت یک شبکه پایدار از روابط کم و بیش نهادینه‌شده در بین افرادی است که با عضویت در یک گروه ایجاد می‌شود» (Bourdieu, 1985, P248). همچنین مطابق نظر فوکویاما<sup>۲</sup> سرمایه اجتماعی شکل و نمونه ملموسی از یک هنجار غیررسمی است که باعث ترویج همکاری بین دو یا چند فرد می‌شود (فوکویاما، ۱۳۸۹: ۱۶۷). سرمایه اجتماعی به عنوان هنجارها و شبکه‌هایی که به مردم برای کنش جمعی یاری می‌رسانند (Woolcock & Narayan, 2000, P225) و نیز «توانایی کنشگران در تضمین منافع به واسطه عضویت آنان در شبکه‌های اجتماعی یا ساختارهای اجتماعی دیگر» (Ports, 1998, P6) نیز تعریف شده است و شامل «اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌گردد که موجب تسهیل تعاون جهت کسب منافع مشترک می‌گردند» (Putnam, 1995, 67).

#### ظرفیت‌سازی

ظرفیت عبارت است از: قابلیت‌ها، مهارت‌ها، گرایش‌ها، ارزش‌ها، ارتباطات، رفتارها، انگیزه‌ها، منابع و شرایطی که اشخاص، سازمان‌ها، شبکه‌ها/بخش‌ها و سیستم‌های اجتماعی گسترده‌تر قادر شوند فعالیت‌ها و وظایف خود را انجام دهند. بنابراین موضوعات توسعه ظرفیت عبارت است از: ارتقاء مهارت‌ها و قابلیت‌ها؛ تقویت ادراکات و روابط؛ و مسائل مربوط به ارزش‌ها، گرایش‌ها، انگیزه‌ها و شرایط به منظور حمایت از توسعه پایدار (CIDA, 2000).

1. Bourdieu

2. Fukuyama

ظرفیت‌سازی معمولاً به عنوان فرآیندی نگریسته شده است که توانایی اجتماعات محلی و سازمان‌ها را برای پی‌ریزی ساختارها و نظام‌ها تقویت می‌کند و همچنین توانمندی مردم و تقویت مهارت‌هایشان به منظور ایجاد، بسط و پرورش ابداعاتی که به توسعه پایدار کمک خواهد کرد را موجب می‌گردد. تولید سرمایه اجتماعی و پرورش رهبری اجتماع محلی می‌تواند به عنوان اهداف اصلی طرح‌ها و ابتکارات ظرفیت‌سازی نگریسته شود. افزون بر این، چه در درون جامعه مدنی و چه در درون حکومت محلی، افراد نقش کلیدی را در ایجاد ظرفیت بر عهده دارند که این موضوع به نوبه‌ی خود می‌تواند به آنچه که "حکمروایی خوب" برای توسعه پایدار نامیده می‌شود، یاری رساند (Evans et al, 2005, P28-29). در واقع، "توسعه ظرفیت" اصطلاحی است که از دهه ۱۹۸۰ میلادی باب شده است. پیتر مورگان<sup>۱</sup> توسعه ظرفیت را به عنوان "توانایی اشخاص، نهادها و سازمان‌ها برای حل کردن مسائل توسعه در طی زمان" تعریف کرده است (Jonsson, 2003, P30-40).

### روش تحقیق

پژوهش کیفی شامل مجموعه‌ای از شیوه‌های عمل مادی-تفسیری است که جهان را قابل مشاهده می‌سازد. همچنین لازم به اشاره است که متناسب با راهبرد کیفی، از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی برای انجام پژوهش بهره برده شده است. از این روی، روش اصلی پژوهش، با توجه به ماهیت کاربردی و مبتنی بر استدلال‌های منطقی است. بر این اساس در این تحقیق سعی شده است علاوه بر تصویر سازی آنچه در زمینه مشارکت سیاسی و عملکرد آن در عرصه انتخابات وجود دارد به تشریح و تبیین نقش فضای سایبر در افزایش سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی پرداخته شود. در این راستا برای تبیین و توجیه دلایل سعی شده است با تکیه بر استدلال‌هایی محکمی از طریق جستجو در ادبیات و مباحث نظری تحقیق نتیجه‌گیری شود. در این پژوهش، برای گردآوری و فیش‌برداری آن از اطلاعات کتابخانه‌ای، اینترنتی استفاده کرده‌ایم.

### یافته‌های تحقیق

#### نگاهی به وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران

توکلی و تابخش با رد این مدعا که "سرمایه اجتماعی در ایران، به ویژه در استان‌های محروم، نیاز به تقویت دارد و توجه به برخی از شاخص‌های آموزشی می‌تواند به تقویت آن کمک شایان توجهی کند." بیان می‌کنند؛ البته نکات فوق به غیر از ذهنیت درونی محققان چیزی نمی‌تواند باشد، زیرا در مکان‌هایی که شبکه اجتماعی قوی‌تری وجود دارد و مردم نیز دستخوش تغییرات زندگی تجاری و صنعتی نشده‌اند و از یک بافت روستایی برخوردارند، سرمایه اجتماعی قوی‌تر است و این برخلاف رأی و نظر قبلی می‌باشد (Tavakoli and Tajbakhsh, 2008, P150).

نتایج پژوهش‌های موسایی (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)، نیز این نظر را تأیید می‌کند در ادامه خلاصه نتایج این پژوهش که در دانشگاه تهران انجام شده است، می‌آید: در این پژوهش سرمایه اجتماعی و ارتباط آن با توسعه در ۲۰ استان کشور در سال ۸۷ مورد بررسی قرار گرفته است و نتایج آن قابل توجه است. بین رتبه سرمایه اجتماعی و رتبه توسعه هر استان همبستگی وجود ندارد و این برخلاف یافته‌های پیشین است که غالباً عنوان می‌گردد که هر جایی که سرمایه اجتماعی بوده، توسعه اقتصادی-اجتماعی هم اتفاق افتاده است. سرمایه اجتماعی علی‌رغم این که زود از بین می‌رود، به تدریج شکل می‌گیرد. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد که سیاست‌های توسعه‌ای در ایران، به تخریب سرمایه اجتماعی منجر شده است ولی در کشورهای توسعه یافته، بین توسعه و شاخص‌های سرمایه اجتماعی همبستگی وجود دارد، یعنی در جایی که توسعه یافته‌تر است، سرمایه اجتماعی بالاتری هم وجود دارد (Musaei and Raei Sedighiani, 2008, P59).

موسایی معتقد است گسترش شبکه‌های غیر رسمی مردم نهاد یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است، اما در ایران این شبکه‌ها هم دولتی هستند و تا زمانی فعالیت می‌کنند که از جانب دولت کمک‌هایی دریافت می‌کنند. در ایران تمایل به مشارکت در اداره امور

1. Peter Morgan

کشور بسیار پایین است به ویژه در مسائل مالی و این به علت عدم پرداختن به موضوع تغییر سرمایه درون گروهی به سرمایه برون گروهی است. اصولاً این نیاز به دلیل وجود پول نفت احساس نشده و این روند به مشارکت‌های مدنی مردم نهاد نیز گسترش یافته تا آنجا که آن‌ها نیز برای فعالیت به کمک‌های دولتی وابسته‌اند. نکته دیگر این که در متون درسی ما سرمایه اجتماعی درون گروهی بیشتر تقویت می‌شود. ایشان تأکید می‌نمایند که در جوامعی که سیر تکاملی از سنت به مدرنیته داشته‌اند، سرمایه اجتماعی به معنای قدیمش از بین رفته و سرمایه‌ای که در مدت طولانی ایجاد گردیده، به سرعت از دست رفته است در ایران هم این اتفاق افتاده، و چیز جدیدی به نام سرمایه مدرن جایگزین آن نشده است (Musaei and Raei Sedighiani, 2008, P60).

نمودها و مصادیق سرمایه اجتماعی در هر جامعه‌ای قابل تبیین و مشاهده است. ایران، به علت مذهب مشترک، زبان مشترک، آیین و رسوم خاص، اعیاد و عزاداری‌ها، احترام عامه مردم به یک سری اصول و ارزش‌ها، و ... دارای عناصری از اعتماد، انسجام و مشارکت اجتماعی است. مردم خصوصاً بعد از انقلاب، در تظاهرات‌ها و راهپیمایی‌ها و نماز جمعه‌ها شرکت داشته‌اند، در مسائلی نظیر سیل و زلزله و سقوط هواپیما و ... همگی یک حس داشته‌اند. در مسائلی نظیر حضور ایران در جام جهانی یا قهرمانی ورزشکاران و ... نیز این حس مشترک که نماد و نمودی از سرمایه اجتماعی است، به روشنی قابل مشاهده است. اما در عین حال سرمایه اجتماعی، عنصری ثابت و خنثی نیست. نظام و سیستم اجتماعی با هر تحرکی، ممکن است دچار نقص و انحراف در اعتماد اجتماعی، انسجام و مشارکت اجتماعی شود و سرمایه اجتماعی با کاهش مواجه شود و این مسئله مهم به تدریج مهاجرت، افسردگی، اعتیاد، نارضایتی عمومی و ... را در پی خواهد داشت (Mahdavi and Barkhordari, 2006, P57).

#### نقش دولت در سرمایه اجتماعی

امروز در سراسر جهان دولت‌ها در کانون توجه قرار گرفته‌اند. توسعه‌های دور از دسترس که امروزه تحقق یافته‌اند ما را بر آن می‌دارد تا پرسش‌های اصولی خود را درباره دولت تغییر دهیم. نقش دولت چگونه می‌تواند باشد؟ چه می‌تواند انجام دهد؟ از انجام چه کاری باید پرهیز کند؟ و بهترین راه انجام آن چیست؟ تجربه ۵۰ سال گذشته فواید و محدودیت‌های عملکرد دولت را به ویژه در ارتقای توسعه به روشنی نشان داده است. عامل تعیین کننده توسعه، به رغم تجربه‌های متفاوت، کارآمد بودن دولت است. وجود دولت کارآمد برای فراهم آوردن کالاها و خدماتی (مقررات و نهادهایی) که به بازار اجازه رشد و شکوفایی دهد و مردم را به سوی زندگی سالم‌تر و سعادت‌مندتر سوق دهد، حیاتی است. بدون وجود چنین دولتی، توسعه پایدار در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی غیرممکن است. از این روی ۵۰ سال پیش بسیاری از اندیشمندان دقیقاً همین نظر را عنوان می‌کردند اما رفته رفته تمایل خود را این‌گونه بیان کردند که توسعه باید دولت مدار باشد. از آن هنگام تا به امروز تجربه توسعه پیام متفاوتی را به ما می‌دهد: دولت در فرایند توسعه اجتماعی و اقتصادی نقش محوری دارد، با این حال نه به عنوان فراهم کننده مستقیم رشد بلکه به عنوان یک شریک، عامل تسریع و تسهیل کننده در روند توسعه (World Bank, 1999, P2). مهم‌ترین اقداماتی نیز که توسط دولت‌ها می‌تواند برای تقویت سرمایه اجتماعی انجام شود عبارتند از:

تشویق و تقویت تشکیل نهادهای مدنی؛ تقویت و غنی‌سازی آموزش‌های عمومی؛ تأمین امنیت شهروندان در جهت حضور داوطلبانه در نهادهای اجتماعی؛ پرهیز از تصدی‌گری بخش‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و واگذاری فعالیت‌های مربوطه به نهادهای مردمی برای جلب مشارکت آن‌ها در فعالیت‌ها و زمینه‌سازی ایجاد و تقویت نهادهای اجتماعی و شبکه‌های اعتماد بین آحاد مختلف مردم (Alvani and Shirvani, 2006, P84).

## نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در امر مشارکت سیاسی

اینترنت<sup>۱</sup> از قابلیت مناسب برای برقراری ارتباط بین فعالان سیاسی، گروه‌های مخالف، اشاعه‌ی دیدگاه آن‌ها، افشای اسناد محرمانه، فساد حکومتی، جمع‌آوری شکایت‌های اینترنتی، سازمان‌دهی<sup>۲</sup> رفتارهای سیاسی و... برخوردار است؛ استفاده فعالان سیاسی چینی از اینترنت علیه اقدامات دولت خود در سرکوب آزادی خواهان<sup>۳</sup> در میدان "تیان آن من" استفاده چریک‌های شهر چیاپاس از اینترنت علیه حکومت مکزیک (Abdolahian and Haghgooui, 2009, P5). رسانه‌های نوین ابزاری بالقوه برای فرار از سیاست‌های از "بالا به پایین" است. بر این اساس آن‌گونه که جیمز کلنن می‌گوید؛ نقش رسانه‌های نوین در عرصه‌ی خدمات مربوط به آزادی بیان تحت شرایط سلطه‌وار امکانات ارتباطی مهم است. بی‌شک برای دولت‌ها آسان نیست که دسترسی به اینترنت را برای شهروندان مخالف تحت نظر درآورند، هرچند ناممکن هم نیست (SamBand, 2011, P164-165).

رسانه‌های اجتماعی رسانه شخصی هستند، زیرا برای توسعه خود به مشارکت افراد نیاز دارند. این مشارکت با تولید محتوا همراه است. رسانه‌های آنلاین مشارکتی همراه با اشتراک‌گذاری اخبار، عکس‌ها، ویدئوها و پادکست‌ها و با فرآیند نظردهی، یک عموم مطیع سراسری به وسیله وب سایت‌های خود ارائه می‌دهد. دوجنبه کلید رسانه‌های اجتماعی مفهوم جامعه و همکاری است که پرداختن به این دو باعث رشد چشمگیر آن‌ها شده است. در مشارکت اجتماعی نیز پایه مفاهیم بر این دو اصل استوار است. به عبارتی دیگر، در پشت سایت‌های شبکه‌های اجتماعی، کاربران هستند و مشارکت کاربران در این سایت‌ها باعث توسعه و رشد آن‌ها شده است و بیانی دیگر اعتبار این شبکه‌ها در مشارکت کاربران است. مشارکت آنلاین دولت‌ها می‌تواند باعث گسترش آنلاین ملت‌ها شود. دولت‌ها با مشارکت آنلاین در شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به توفیقات زیادی از قبیل اجرای کامل‌تر برنامه‌ها، ارائه خدمات با هزینه کمتر، ایجاد انگیزش درونی، توسعه مدنی، احساس مسئولیت آنلاین، استفاده از دانش بومی و... دست پیدا کند (Basirian Jahromi, 2013, P119).

بنابراین، در عرصه‌های سیاسی، و بخصوص وسایل ارتباط جمعی جدید از جمله شبکه‌های اجتماعی مجازی نقش غیرقابل انکار و مؤثری دارا هستند. از بسیج عمومی و جهت‌دهی عمومی نظارت بر عملکرد و کارکردهای آرمان‌های دولتی تقویت نهادهای مدنی، ترغیب شهروندان به مشارکت گسترده ملی، تحریک احساسات و سیاسی جامعه، برملا ساختن سیاست‌های پشت پرده در جریان‌های سیاسی، انتقال پیام و مطالبات مردم به دولت و منعکس ساختن فعالیت‌ها و عملکرد دولت در جامعه و... رسانه‌ها و بخصوص رسانه‌های اجتماعی در نهادینه ساختن پلورالیسم سیاسی، تبیین دیدگاه‌های احزاب مختلف و ترویج دموکراسی و... جایگاه ممتازی دارد، بخصوص در دوران گذار کمک شایانی در پشت سر گذاشتن بحران می‌کنند (Rahmanzadeh, 2010, P336).

به هر روی در عرصه‌های سیاسی، وسایل ارتباط جمعی و بخصوص وسایل ارتباط جدید از جمله شبکه‌های اجتماعی مجازی نقش غیرقابل انکار و مؤثری را دارا هستند. از بسیج عمومی و جهت‌دهی افکار جمعی تا کمک به شیوه‌های حکومت‌داری، نظارت بر عملکرد و کارکردهای آرمان‌های دولتی، تقویت نهادهای مدنی، ترغیب شهروندان به مشارکت گسترده ملی، تحریک احساسات ملی و سیاسی جامعه، برملا ساختن زد و بندهای پشت پرده در جریان‌های سیاسی، انتقال پیام و مطالبات مردم به دولت و منعکس ساختن فعالیت‌ها و عملکرد دولت در جامعه و... رسانه‌ها و به خصوص رسانه‌های اجتماعی در نهادینه ساختن پلورالیسم<sup>۴</sup> سیاسی، تبیین دیدگاه‌های احزاب مختلف و ترویج دموکراسی و... جایگاه ممتازی دارد، به خصوص در دوران گذار، کمک شایانی در پشت سر گذاشتن بحران می‌کنند (Rahmanzadeh, 2010, P17).

1. Internet

2. Organize

3. Repression of Libertarians

۴. لورال بمعنای جمع و کثرت است. لذا پلورالیسم (pluralism) یعنی کثرت‌گرایی یا گرایش به تعدد و کثرت.

### فایده جامعه اطلاعاتی برای ایران

آنچه از فکر و اندیشه دگرگونی جامعه سنتی و صنعتی برای کشورهای پیشرفته به سمت و سوی جامعه اطلاعاتی حاصل می‌شود تأثیری است که بر سودمندی و فایده جامعه اطلاعاتی در این نوع ممالک حاصل شده، مثلاً سازمان ملل متحد<sup>۱</sup> چارچوب این فایده را با توجه به عوامل و فرصت‌های توسعه ممالک به قرار ذیل بر شمرده است: کاهش فقر، ارتقای سطح آموزش، بهبود استانداردهای بهداشت و سلامت<sup>۲</sup>، افزایش توانمندی و مشارکت شهروندان و جلوگیری از کاهش منابع طبیعی و محیطی. بر این قرار توسعه جامعه بر اساس محورهای اطلاعاتی، جریان سرمایه و محصولات را به سوی همزیستی انسان و محیطی برخاسته با فناوری اطلاعاتی سوق خواهد داد. نکته‌ای که امروزه اندیشمندانی چند بر این عقیده‌اند که رابطه سرمایه و مالکیت با اطلاعات قابلیت تفکیک ندارند، و در مقابل بسیاری از متفکرین بر این زمینه فکری تأکید دارند که جامعه اطلاعاتی محور ابزارهای گزینش را با عدالت و مساوات بیشتری در اختیار انسان قرار خواهد داد. فایده جامعه اطلاعاتی، تأثیرات گسترده‌ای است که از فناوری در حیات انسانی ظاهر می‌شود، مثلاً کاربردهای چند منظوره از طیف فناوری در حوزه‌های دولتی و تجاری، ویژگی مجازی اطلاعات و دسترسی به فعل اطلاعات در حیات انسانی، افزایش کارایی و کاهش هزینه‌ها در بازار، توسعه موارث فرهنگی و زبان. بر این قرار، بدیهی است سواى هر گونه فکر اجتماعی، جامعه اطلاعاتی حاوی تبعات مثبت و منفی است و نیاز به تقویت آلی خواهد داشت (Shabani, 2003, P4).

محمد فتحیان از جنبه‌های کاربردی بر فایده و سودمندی جامعه اطلاعاتی تأکید دارد. وی «تشکیل جوامع نوین مبتنی بر فناوری اطلاعات» را در حوزه‌های عملی و نظری اجتماع مورد کنکاش قرار داده، تذکر می‌دهد که فناوری اطلاعات بر اقتصاد، آموزش، کار، فرهنگ، و خدمات اجتماعی به انضمام دفاع مؤثر خواهد بود. طبیعی است مقصود مؤلف از اجتناب به ورود در جامعه اطلاعاتی عصر نوین سلطه‌پذیری جوامع سنتی و صنعتی تلقی خواهد شد. مثلاً در حوزه کار بر این عقیده است که جامعه اطلاعاتی با دگرگونی در مشاغل سنتی و دوره‌های صنعتی مواجه است. بنابراین برخی از مشاغل نظیر کتابداری سنتی از بین رفته و برخی مانند آموزش پزشکی دچار دگرگونی خواهد شد. در حوزه دفاع و جنگ نیز ابزارهای نوینی مانند تأثیر مظاهر دانش بر ابزارهای نظامی و سیستم‌های امنیتی خلق خواهد شد که کاربرد فزاینده و بهتری نسبت به گذشته دارد (Fathian, 2003, P78-81). فرهنگ رجایی بر نکته باریکی در سودمندی وضعیت نوین جامعه اطلاعاتی تأکید دارد: چالش‌های نوین از نظر کشمکش و کنش‌پذیر بر حوزه‌های سیاست، اقتصاد، فرهنگ، و مذهب. این که روایت جدید جهانگستری در جامعه اطلاعاتی با آفرینش یک دهکده جهانی یا شبکه جهانی از داده‌ها چه سرنوشت و پدیده‌ای را برای انسان به همراه دارد، پاسخی است که مؤلف را در طرح تجدد خواهی از جامعه اطلاعاتی به واکنش برانگیخته: جهان‌گستری چیزی است بس فراتر از طرح؛ فرایندی است پیچیده که برای اندیشیدن و اقدام کردن به راه تازه‌ای نیاز دارد. حتی اگر به صورت طرح هم آغاز شده باشد، یکسره دگرگون شده است. دوران تازه‌ای است که ویژگی‌های اصلی آن هنوز در حال شکل گرفتن است (Raja'i, 2000, P189). بر این قرار انسان در منظر جامعه اطلاعاتی انسان نوینی است که فایده‌مندی آن با اندیشه جهانی برای هر ایرانی مصداق دارد، «انسان گلوبال»<sup>۳</sup> که در صفحات الکترونیکی آینده‌نگر تبیین هوشمندانه‌ای از اندیشمندی انسان ایرانی دارد، با فناوری ارتباطات و اطلاعات آمیزش یافته و پاسخ‌های خود را فراهم می‌آورد.

### فضای سایبر و ارتباطات سیاسی

میزان تعامل و برهمکنشی مکان‌ها تابعی از عنصر فاصله بوده است. رشد گسترش ابزارها و سازوکارهای ترابری (زمینی، هوایی و آبی) و فناوری اطلاعات و ارتباطات (تلفن، پخش برنامه‌های رادیو تلویزیون و اینترنت) از اهمیت فاصله کاسته است. به دیگر سخن، با ورود به دوران شتاب و مجاز، از اهمیت فاصله کاسته شده است، که به آن زوال فاصله نیز می‌گویند. بر این اساس، واژگانی همانند زوال فاصله، سایش فاصله، رایانه‌ای شدن یا فضای مجازی، اقتصادی بی وزن، عینیت زدایی، موضع زدایی، فضای سایبر<sup>۴</sup>، شهروند

1. United Nations

2. Health Standards

3. Human Global

4. Cyber space

سایبر<sup>۱</sup>، پول سایبر<sup>۲</sup>، فرهنگ سایبر<sup>۳</sup>، راهنمای فضای سایبر<sup>۴</sup>، تجارت سایبر<sup>۵</sup>، کانال سایبر<sup>۶</sup> سربرآورده‌اند که بازتابی از رشد فزاینده فناوری‌ها و گسترش ابزارهای ارتباطی به ویژه و به چالش درآمدن مفاهیم دیرآشنایی همچون قلمرو، مرز، مسافت، دوری و... به شمار می‌روند. طبیعی است که این تحولات ابعاد مختلف جهان زیست انسان (خانه، اقتصاد، فرهنگ، دانش و...) را درنوردند و به آنها جهت و معنایی تعامل محور بدهند. از کانون‌ها و قلمروهای مهم فعالیت فناوری‌های نوین ارتباطی به ویژه اینترنت، قلمرو ارتباطات سیاسی، به ویژه انتخاباتی است. اینترنت ویژگی‌هایی چون تعاملی بودن، جمع‌زدایی، تمرکززدایی و عدم محدودیت مکانی و زمانی دارد که تأثیرگذارترین فناوری نوین ارتباطی در عرصه ارتباطات سیاسی است که گونه‌های تأثیرگذاری آن را در عرصه ارتباطات سیاسی می‌توان چنین برشمرد:

- ۱- اطلاعات و آگاهی شهروندان را افزایش می‌دهد: شهروندان با دسترسی به مجموعه‌ای بی‌نهایت از اطلاعات از طریق اینترنت می‌توانند شرکت فعالانه‌ای در حوزه سیاست داشته باشند و با گسترش مجاری دریافت اطلاعات، به اطلاعات رادیو و تلویزیون بسنده نکنند. در واقع، شهروندان با گزینش اطلاعات، به مخاطب فعال تبدیل می‌شوند. از آنجایی که تصمیم‌گیری آگاهانه و عقلانی در گروه داشتن اطلاعات وسیع و ارزیابی دقیق وضعیت سیاسی است، اینترنت با ایجاد و تسهیل اطلاعات، به توانمندسازی شهروندان کمک می‌کند.
- ۲- استراتژی‌های ارتباطی کنشگران سیاسی را گسترش می‌دهد: احزاب، گروه‌ها و کاندیداها با حداقل هزینه، امکان می‌یابند دیدگاه‌های خود را به اطلاع عموم برسانند و به عبارتی، تربیون جهانی در اختیار داشته باشند. دسترسی کنشگران به مردم مستقیم است و دروازه‌بانان و گزینشگرانی که در رسانه‌هایی همچون روزنامه، رادیو و تلویزیون وجود دارند، در اینترنت به چشم نمی‌خورند. لذا، اخبار و اطلاعات با تحریف و دستکاری کمتری در اختیار شهروندان قرار می‌گیرد.
- ۳- فرایند بسیج سیاسی را تسهیل می‌کند: اینترنت فرصت‌های لازم را برای افراد و گروه‌هایی که منافع مشترک دارند، فراهم می‌کند تا با پشت سر گذاشتن موانع سیاسی و جغرافیایی، به اطلاع‌رسانی و بیانی دیدگاه‌هایشان بپردازند و برای حضور و عمل سیاسی، دست به بسیج سیاسی بزنند. به ویژه اقلیت‌های قومی، جنسی و... می‌توانند با راه‌اندازی تشکلهای و اجتماعات مجازی، یک تربیون جهانی برای خود فراهم و اقدام به فعالیت کنند. از طریق اینترنتی، کنشگران سیاسی [فضاگردانان؛ سرمایه‌داران] بر حاکمان و سیاستمداران و تصمیم‌گیری آنها تأثیر می‌گذارند. به عبارتی فناوری‌های نوین ارتباطی - اطلاعاتی به افرادی که منافع مشترک دارند فرصت می‌دهد با وجود فاصله یا موانع اجتماعی، با هم در تماس باشند. انسان‌ها می‌توانند از طریق تربیون‌های جهانی بر محدودیت‌های جغرافیایی غالب شوند.
- ۴- ارتباطات درون سازمانی احزاب و گروه‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد: ویژگی بارز تلویزیون این است که با تمرکز بر کادرهای مرکزی احزاب، اهمیت فعالیت‌های انتخاباتی محلی را فرو می‌کاهد؛ به این معنا که رده‌های پایین‌تر احزاب و گروه‌ها در محدوده‌های پیرامونی فرصت چندانی برای دیدگاه و تأثیر بر فرآیند تصمیم‌گیری ندارند. ولی اینترنت این وضع را دگرگون و این امکان را فراهم کرد که مردم و هواداران نسبت به آنچه رهبران احزاب و گروه‌ها انجام می‌دهند، اطلاعات بیشتری کسب کنند و ضمن اظهار نظر و مخالفت، نخبگان سیاسی را به پاسخ‌گویی وادار کنند. به عبارتی، اینترنت قدرت را میان نخبگان و مردم توزیع و به تمرکززدایی کمک می‌کند.

1. Cyber citizen

2. Cyber cash

3. Cyber culture

4. Cyber coach

5. Cyber bussiness

6. Cyber channel

- ۵- هزینه‌های ارتباطات سیاسی را کاهش می‌دهد: به دلیل موانع زمانی، مکانی و مالی، دامنه مشارکت و فعالیت در امور سیاسی محدود بوده است. با ورود اینترنت، هزینه‌های ورود به حوزه عمومی پایین آمد و مبادله اندیشه‌ها کمتر به منابع مالی وابسته شد. به عبارتی، احزاب و کنشگران سیاسی از طریق اینترنت و با حداقل هزینه می‌توانند با مردم ارتباط برقرار کنند. بنابراین، اینترنت میزان مشارکت سیاسی را در جامعه افزایش می‌دهد.
- ۶- اینترنت با کاستن از محدودیت‌های زمانی و مکانی، هزینه‌های مربوط به ریسک سیاسی را نیز فرو می‌کاهد و امکان موضع‌گیری سیاسی را با خطرپذیری کمتر، فراهم می‌کند و بر میزان تعامل و تبادل افراد می‌افزاید. اینترنت با افزایش میزان تعاملات و تبادلات سیاسی سبب می‌شود نوعی فعالیت سیاسی در جامعه شکل بگیرد؛ به این معنا که اعلام موافقت یا مخالفت شهروندان با یک مسئله رویداد سیاسی در فضای مجازی، احساس خوب و مثبتی از توانمندی سیاسی برای آنها فراهم می‌کند؛ زیرا شهروندان احساس می‌کنند می‌توانند آزادانه وارد عرصه سیاسی شوند.
- ۷- اینترنت به احساس بازیگری برای مشارکت، حداقل به دو دلیل شدت می‌بخشد: الف) مردم احساس می‌کنند که بیش از شیوه‌های ارتباطی سنتی وارد بازی می‌شوند. ب) اینترنت در سازمان و تشکلی که آن را به کار گرفته است، این احساس را ایجاد می‌کند که به عنوان یک عامل کارآمد و قدرتمند می‌تواند در محیط زندگی‌اش تأثیرگذار باشد. همچنین امکان شکل‌گیری هویت گروهی را فراهم می‌کند. افراد از طریق تعاملات و تبادلات مبتنی بر شبکه، درباره آن چه اشتراک نظر دارند درک بهتر پیدا می‌کنند. افزون بر آن، اینترنت احساس تعلق به یک گروه خاص یا احساس تعلق به یک اجتماع ویژه را برای مردم فراهم می‌کند. در نهایت این که در جدول ذیل پیامدها و چالش‌های احتمالی اینترنت بر ارتباطات سیاسی بیان شده است (Ansari Ansaari et al, 2018, P233-236).

جدول (۲): پیامدها و چالش‌های احتمالی اینترنت بر ارتباطات سیاسی

ردیف	تأثیر بالقوه اینترنت بر ارتباطات سیاسی	منابع بالقوه	مشکلات و چالش‌ها
۱	تأثیر بالقوه اینترنت بر ارتباطات سیاسی	دسترسی ساده به تولید اطلاعات، دسترسی عموم به اطلاعات	اضافه بار اطلاعاتی
۲	ارتباط مستقیم میان فرستنده و دریافت کننده	دسترسی به اطلاعات مورد نظر	نبود میانجی‌هایی که کارکرد انتقادی دارند
۳	گزینه‌ش توسط دریافت کنندگان	دسترسی به اطلاعات مورد نظر	تقص حريم شخصي
۴	سرعت اطلاعات	روزآمد سازی اطلاعات	هزینه نگهداری سیستم‌ها، کمبود وقت
۵	قابلیت‌های تعامل (ارتباطات یک سویه نیست)	امکان بازخورد از طرف گیرنده، دریافت اطلاعات مورد نیاز	حريم خصوصي
۶	بُعد جهانی (اینترنت رسانه‌ای جهانی است)	تنوع منابع	تنازعات یا همگن سازی

Source: (MehdiZadeh, 2009)

### فضای سایبر و مشارکت سیاسی

چارچوب نظری این کتاب از برآیند رابطه علی میان مفاهیمی نظیر مشارکت سیاسی، میزان گسترش حوزه عمومی و میزان و کیفیت استفاده از اینترنت (فضای سایبر) بدست می‌آید. در این چارچوب نظری، مفهوم مشارکت سیاسی را می‌توان هم در ادبیات راش و هم در ادبیات نظری هابرماس یافت. لازم به اشاره است که برداشت آنها در این خصوص متفاوت است چرا که راش علاقه‌ای به حوزه عمومی آن‌طور که مورد نظر هابرماس است، ندارد. در عین حال، رابطه میان مشارکت سیاسی، کاربری اینترنت و حوزه عمومی به شکل یک دستگاه نظری تمام و کمال نه در ادبیات راش موجود است و نه در ادبیات هابرماس. از این جهت هنر این بخش از کتاب ترکیب کردن سه مفهوم بالا به نحوی است که راش و هابرماس را در یک سنت پارادایمی قرار دهد. پارادایم مورد نظر ما گسترش حوزه عمومی است اما مفهوم مشارکت سیاسی را از کار شایسته مایکل راش وام می‌گیریم تا این سنتز ایجاد شود.

بر اساس این مدل ترکیبی ابتدا به مفهوم مشارکت سیاسی راش به عنوان مفهوم اول از مدل سه گانه مفهومی می‌پردازد. بر اساس رویکرد مایکل راش اگر مشارکت را به مفهوم دخالت مردم، افراد و گروه‌ها در سرنوشت خویش و شرکت آن‌ها در شکل‌دهی و صورت‌بندی حیات اجتماعی و سیاسی خود بدانیم، به این نکته می‌رسیم که نقش مردم تنها در قالب انتخابات و حق رأی که پائین‌ترین سطح مشارکت سیاسی است عینیت پیدا نمی‌کند.

به عبارت دیگر، سایر سطوح مشارکت سیاسی آنطور که مایکل راش در مدل خود که در فصل یک به آن اشاره کردیم توضیح می‌دهد، نیز در یک حکومت مردمی اساسی و کلیدی می‌باشد. بر اساس این مدل نظری هرچه مشروعیت سیاسی و مشارکت مردمی کم‌رنگ‌تر باشد، ثبات یک نظام سیاسی هم بیشتر نیازمند توجه و ترمیم خواهد بود. مایکل راش، مشارکت سیاسی را دخالت فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از امتناع برای مشارکت گرفته تا داشتن مقام رسمی سیاسی / اداری، تعریف می‌کند (Ansaari et al, 2018, P236-237). البته میزان امتناع و رغبت به مشارکت بستگی به ظرفیت‌های ساختاری هر جامعه دارد و با مطالعه نوع و سطح مشارکت می‌توان، شدت مشارکت سیاسی را اندازه‌گیری کرد.

بنابراین، بر اساس چنین تعریفی از مشارکت سیاسی، جلوه‌های گوناگون مشارکت سیاسی عبارتند از: الف) حضور فعال و حتی نیمه فعال افراد در تشکل‌های سیاسی / شبه سیاسی، ب) شرکت در بحث و گفتگوهای سیاسی، ج) شرکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، د) کمک‌های مالی به حزب مورد علاقه، ه) آگاهی از مسائل سیاسی، ی) داشتن مقام رسمی سیاسی / اداری و کلبه فعالیت‌ها و رفتارهای سیاسی از این قبیل. پیوستن افراد در این رشته از مشارکت‌های سیاسی نیازمند مهیا بودن زمینه و بستر مناسب آن است که اینترنت با ویژگی‌های منحصر به فرد خود این بستر را فراهم کرده و مشارکت سیاسی افراد را در دیگر سطوح تسهیل می‌کند. بنابراین، مفهوم دوم عبارت است از کاربری اینترنت و نقش آن در فعالیت‌های نوین در حوزه عمومی هابرماس است.

در همین راستا باید اشاره کنیم نقشی که رسانه‌های توده‌ای نظیر رادیو، تلویزیون در تأثیرگذاری و نفوذ در افکار عمومی و جهت دادن به آن بر اساس منافع اقلیتی از نخبگان سیاسی ایفا کرده و می‌کنند، موجب آن شده تا این رسانه‌ها از کارکردهایی که در گذشته به عنوان رکن چهارم دموکراسی بر عهده آنها بود، دور شوند. در چنین شرایطی، تقاضا برای فراتر رفتن از دموکراسی نمایندگی امروز و دستیابی به افق‌های جدید از مشارکت سیاسی، افزایش چشمگیری یافته است (Minavand Chal, 2002).

تسلط منافع نخبگان سیاسی و اقتصادی بر رسانه‌ها، امید به احیای نقش از دست رفته آنها در فرآیند دموکراسی را تضعیف کرده و در چنین شرایطی ظهور اینترنت با خصوصیات منحصر به فردی چون برخورداری از فضای گفتگومانی «سانسور گریزی، همزمانی ارتباطات، فراگیری و عدم تمرکز» موجب دسترسی آزاد و برابر به اطلاعات عمومی برای همگان شده و انجام گفتگوهای عقلانی-انتقادی را در فضای سایبر تسهیل کرده و به شکل‌گیری افکار عمومی و نهایتاً کنش سیاسی جمعی کمک می‌کند. از آنجا که مشارکت برابر در همه عرصه‌های سیاسی و آزادی بیان همه افراد جامعه، شرایط لازم وجود دموکراسی است، اینترنت با توجه به آنچه که در ذیل خواهد آمد، می‌تواند زمینه‌ساز و بسترساز دموکراسی باشد.

مفهوم سوم به ارتباطات انسانی، اینترنت و مشارکت مدنی مربوط می‌شود که در یک سنتز قرار می‌گیرند تا مفهوم حوزه عمومی هابرماس را تداعی کنند. بحث ما از این قرار است که اینترنت فضایی را به وجود آورده است که افراد از اقصی نقاط جهان می‌توانند گرد هم آمده و گروه‌های مجازی و شبکه‌های مجازی تشکیل دهند. دالگران (۲۰۰۵)، با تأکید بر این مسئله چنین می‌گوید: با ظهور شبکه اینترنت، تعاملات مدنی به فضای سایبر راه را پیدا کرده است و صورت‌های ارتباطی که پیشتر به صورت ارتباطات یک به چند بود، به صورت تعامل یک به یک، تبدیل شد (Dahlgren, 2005:149). در همین زمینه باید اشاره کرد که فناوری‌های ارتباطی-اطلاعاتی و اینترنت از یک سو، اطلاعات و آگاهی سیاسی و اجتماعی افراد را افزایش داده‌اند و از سوی دیگر، افراد و گروه‌ها را در مسائل سیاسی و مدنی درگیر ساخته‌اند. پپیانوریس (۲۰۰۱)، چند فرض عمده را در ارتباط با اثرات این فناوری‌ها بر مشارکت مدنی، به شرح ذیل مطرح می‌کند؛

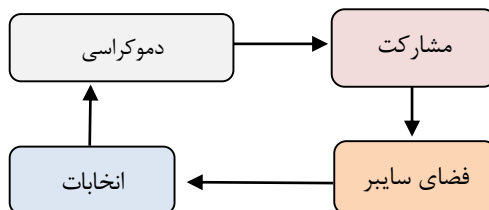


۱- اینترنت ممکن است به آگاه‌سازی، سازماندهی، بسیج و مشارکت سیاسی مدنی افراد و گروه‌ها به حاشیه رانده شده، جوان‌ترها و اقلیت‌های سیاسی منجر گردد (Sardar Abadi, 2004, P81). به اعتقاد وی، اینترنت با تأمین فرصت‌های سیاسی از قبیل کسب اطلاعات راجب احزاب و گروه‌های سیاسی، دسترسی به کنفرانس‌های اینترنتی، اتاق‌های گفتگو، ارتباطات دوسویه با مقامات حکومتی و فعالان سیاسی و غیره می‌تواند در بسیج و درگیرسازی مدنی تأثیرگذار باشد (Sardar Abadi, 2004, P82).

۲- اینترنت می‌تواند در اشاعه ارزش‌های دموکراتیک از قبیل مشارکت، آزادی بیان، تساهل، عدالت و غیره تأثیرگذار باشد. گسترش این ارزش‌ها، می‌تواند بستر و محیط همدلانه برای جنبش‌های اجتماعی و شبکه‌های حمایتی بین‌المللی ایجاد کرده و مشارکت سیاسی را در سطح جهانی گسترش دهد. شواهد نشان می‌دهد که کاربران اینترنت در ایالات متحده و اروپا، گرایش بیشتری به ارزش‌های فرامادی و دموکراتیک داشته‌اند (Sardar Abadi, 2004, P82).

نکته مورد سنتز در اینجاست که رینگولد معتقد است در عصر فناوری‌های اطلاعاتی، حوزه‌ی عمومی تجدید حیات ریشه‌ای داشته است. در این حوزه علاوه بر تبادل اطلاعات، تعامل و گفتگوی شهروندان در اجتماعات مجازی ممکن گردیده است. به اعتقاد وی، شبکه‌های عمومی الکترونیکی، نمایانگر یک شکل جدید از دموکراسی الکترونیکی است (Malina, 2000:27). همچنین کلمن معتقد است: اینترنت، می‌تواند یک تریبون عمومی بی‌طرف برای تبادل نظر دموکراتیک و مستقل از کنترل دولت باشد و به لحاظ نظری، این تریبون می‌تواند با شرایط گفتگوی مطلوب و ایده‌آل مورد نظر هابرماس در حوزه‌ی عمومی سازگار باشد. برای مثال می‌توان به سایت U.K.C.O.D دموکراسی آنلاین شهروندان بریتانیا اشاره کرد. تحقیقات نشان می‌دهد که افراد ترجیح می‌دهند با افراد و گروه‌های هم‌عقیده، تشکیل یک گروه بدهند، با این هدف که به همگنی بیشتر در عقاید و دیدگاه‌ها برسند (Colman, 1999:26). بر این اساس اینترنت از قابلیت مناسب برای برقراری ارتباط بین فعالان سیاسی، گروه‌های مخالف و اشاعه دیدگاه‌های آن‌ها و افشای اسناد محرمانه، فساد حکومتی جمع‌آوری شکایت‌های اینترنتی، سازماندهی رفتارهای سیاسی و اشاعه اطلاعات سیاسی در سطح جهانی برخوردار است. برای مثال می‌توان به استفاده فعالان سیاسی چینی از اینترنت علیه اقدام دولت در سرکوب آزادی‌خواهان در میدان تیان آن‌من و استفاده چریک‌های شهر چی‌پس از اینترنت علیه حکومت مکزیکی اشاره کرد (Jansen, 2001:99-100).

با این وجود در قرن بیست و یکم با ورود فناوری اطلاعات و ارتباطات عرصه‌ای فراهم شده که فضاهای جغرافیایی را تحت تأثیر خود قرار داده است و فضایی به عنوان فضای جریان‌ها را شکل داده است که با قرار گرفتن در این فضا می‌توان زمینه‌سازی توسعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را شاهد بود. لذا از آنجا که در عصر حاضر حکومت‌ها و دولت‌ها بر پایه دموکراسی، نظام انتخاباتی را شکل داده‌اند تا مردم در سرنوشت سرزمین خود به گونه‌ای سهیم باشند که اساس توسعه سیاسی را فراهم آورد. اما در قرن حاضر، فضای سایبر نقش اساسی و بنیادینی در شکل‌دهی به آگاهی و مشارکت شهروندی داشته است که زمینه‌سازی آن را فراهم آورده تا شهروندان با آگاهی بیشتر دست به انتخاب و مشارکت زنند. بر این مبنا فضای سایبر، نوعی از مشارکت را برای شهروندان و دولت‌ها فراهم آورده که ما از آن به عنوان مشارکت سیاسی نوین در سرنوشت‌سازی نام می‌بریم که این نوع مشارکت در گام نخست آن‌گونه که شایسته و بایسته است زمینه‌پویایی شهروندان را در عرصه مشارکت فراهم خواهد آورد و در گام بعد زمینه توسعه سیاسی کشور را به همراه خواهد داشت. بر این اساس نیاز به آن است که دولت‌ها نسبت به فضای سایبر شناخت لازم را پیدا کرده و با کارکردهای نوین آن آشنا شوند تا آن‌گونه که شایسته است شهروندان در مشارکت سیاسی به خصوص در عرصه انتخابات از آن بهره‌مند گردند.



شکل (۲): چرخه مشارکت سیاسی نوین

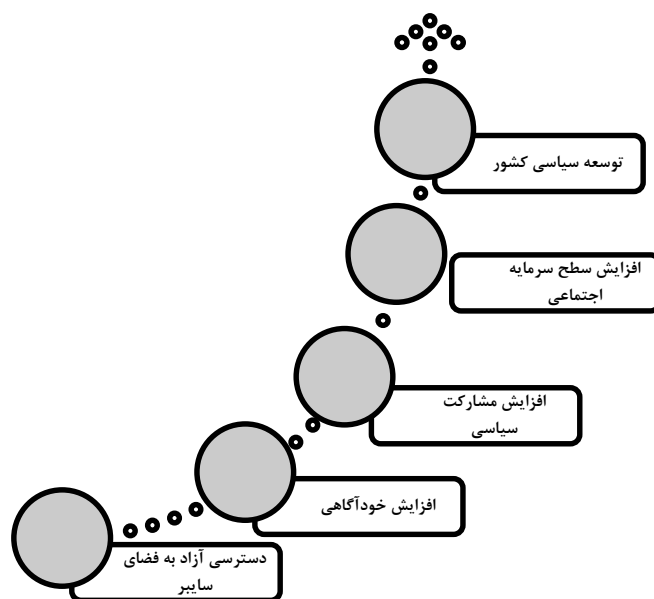
### نتیجه گیری

در قرن حاضر، فضای سایبر نقش اساسی و بنیادینی در شکل دهی به آگاهی و مشارکت شهروندی داشته است که زمینه سازی آن را فراهم آورده تا شهروندان با آگاهی بیشتر دست به انتخاب و مشارکت زنند. بر این مبنا فضای سایبر، نوعی از مشارکت را برای شهروندان و دولت ها به ویژه در ایران فراهم آورده که ما از آن به عنوان مشارکت سیاسی نوین در سرنوشت سازی نام می بریم که این نوع مشارکت در گام نخست آن گونه که شایسته و بایسته است زمینه پویایی شهروندان را در عرصه انتخابات فراهم خواهد آورد و در گام بعد زمینه توسعه سیاسی کشور را به همراه خواهد داشت. بر این اساس نیاز به آن است که دولت ها نسبت به فضای سایبر شناخت لازم را پیدا کرده و با کارکردهای نوین آن آشنا شوند تا آن گونه که شایسته است شهروندان در مشارکت سیاسی به خصوص در عرصه انتخابات از آن بهره گیرند.

بنابراین، مشارکت سیاسی یکی از شاخصه های جامعه دموکراتیک بوده و نوعی تظاهر علنی مردم برای تعیین سرنوشت جمعی خود است، همچنین میزان حضور مردم در پای صندوق های رأی، یکی از شاخص های توسعه سیاسی در هر کشوری محسوب می شود و نمایانگر تعلق خاطر مردم به کشور و سرزمین خود است،

بر این اساس می توان گفت که، مشارکت سیاسی ملت ایران در انتخابات دوره های مختلف بی نظیر بوده و به عنوان الگویی برای سایر کشورهاست. از این روی، دولت تدابیری اندیشیده بود تا بتواند میزان حداکثری مشارکت شهروندان را به کار گیرد و آن را پویا و فعال نماید. بر این مبنا، میزان مشارکت سیاسی شهروندان در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۶ حکایت از سهم بسیار مهم اطلاع رسانی شبکه های مجازی در انتقال اطلاعات به روز شده و افزایش خود آگاهی مردم و در نهایت میزان مشارکت سیاسی ۵۷,۳ درصدی مردم بوده است. بر این اساس با توجه به دیدگاه دکتر یونس نوریخس در تیرماه ۱۳۹۶؛ انتخابات دوره دوازدهم، یکی از نمونه های انتخابات دیجیتال بود و افراد در قالب گروه ها و کانال ها با هم ارتباط برقرار می کردند و به صورت زنجیره ای و گلوله برفی هواداران خودشان را پشتیبانی و اطلاع رسانی می کردند. و نکته بعدی از نظر ایشان؛ تبعیت روستا از شهر بود. با توجه به مهاجرت تعداد زیادی از روستاییان به شهر و توسعه ارتباط بین شهر و روستا و نیز توسعه اینترنت و شبکه اجتماعی، شکاف ذهنی و ارزشی بین شهر و روستا کاهش یافته و شهر به عنوان گروه مرجع سیاسی پذیرفته شد. روستاییان مثل شهری ها اندیشیدند و تقریباً بر اساس همان نظام فرهنگی و ارزشی تصمیم گرفتند.

با توجه به شکل شماره ۳؛ که مدل نظری پژوهش ارائه شده است؛ افزایش قدرت شبکه های مجازی در کشور باعث افزایش خود آگاهی جامعه و افزایش سطح مشارکت سیاسی خواهد شد و در نهایت سطح سرمایه اجتماعی را بالا خواهد برد و افزایش سطح سرمایه اجتماعی باعث افزایش سطح سرمایه اقتصادی و فرهنگی می شود که نتیجه آن توسعه سیاسی کشور خواهد بود.



شکل (۳): مدل مفهومی جایگاه فضای سایبر در توسعه سیاسی کشور

## منابع

1. Abdollahian, Hamid, Haghgooui, Ahsan. (2009). Explaining the Relationship Between Internet Security and Political Participation in Iran, Iranian Journal of Sociology, Vol. 10, No. 4, pp. 41-1.
2. Abdollahi, Hamid Reza. (2008). A Study of the Relationship between Social Trust and Social Participation (Case Study of Nikanamdeh Village, Shemiranat Province), Master's Thesis, Supervisor Ahmad Firoozabadi, University of Tehran, Faculty of Social Sciences.
3. Ahrari, Ibrahim (2004), The Role of Media in Community Control, Journal of Research and Evaluation, Audiovisual, Islamic Republic of Iran, Tehran, No. 37. [Persian]
4. Alvani, Mehdi and Alireza Shirvani (2006). Social Capital, Concepts, Theories and Applications, Tehran: Manni Publishing.
5. Alvani, Seyyed Mehdi and Mirali Sayed Naghavi (2002). Social Capital, Concepts and Theories, Journal of Management Studies, Issue 33-34, pp. 3- 26.
6. Ansari, Zahra; Hosseinpour Motlagh, Mahdi; Ghorbani Sepehr, Arash. (2018). New Approach to Political Participation in Iran (Emphasizing the Role of the Cyber Room in the Presidential Elections of the Twelfth), Tehran: Iran Geopolitics Association Publication. [Persian]
7. Ashori, Dariush. (2003). Political Encyclopedia, Tehran: morvarid Publishing. [Persian]
8. Bashirieh, Hossein. (2002), The Transformation of Self-Consciousness and Political Identities in Iran, National Journal of National Studies, Third Year, No. 11, pp. 127-117. [Persian]
9. Bashirieh, Hossein. (2003). Teaching Political Knowledge (The Foundations of Political Science and Planning), Tehran: Moaser Publication. [Persian]
10. Basirian Jahromi, Hussein. (2013). Social Media, Dimensions and Capacities, Tehran: Office of Media Studies and Planning. [Persian]
11. Bourdieu, P. (1985). The Forms of Capital in Handbook of theory and research for the Sociology of education. ed.jg.Richarson, Newyork: Greanwood, p.248.
12. Colman, James. (1998). Foundations of Social Theory. Translation by Manouchehr Sabouri, Tehran: Publishing Ney.
13. Dahlgren, P. (2005) the Internet, Public Sphere and Political Communication: Dispersion and Deliberation, Political Communication, 22: 147-162.
14. Evans, B. and Joas, M. and Sundback, S. and Theobald, K. (2005). Governing Sustainable Cities, Earthscan

15. Fathian, Mohammad. (2003). the formation of modern societies on information technology, Web, No. 37, pp. 78-81.
16. Field, John. (2006). Social Capital, Translation by Jalal Mottaqi, Tehran, Social Security Research Institute.
17. Fukuyama, Francis. (2000). End of Order, Gholam Abbas Tavassoli Translation, Tehran, Iranian Society of Publications
18. Fukuyama, Francis. (2005). Social Capital and Civil Society, in Social Capital, Democracy and Development, Kian Tajbakhsh, Afshin Khakbaz and Hasan Pooyan, Tehran: Shiraz Publishing.
19. Ghasemzadeh, Morteza. (2011). the role of social networks in regional and international developments, "our portal for politics, public diplomacy and media.
20. Ghavvami, Sayed Abdul Ali. (2010). Politics of the Foundations of Political Science, Tehran: Publication.
21. Ghorbani Sepehr, Arash and Mohsen Janparvar. (2017). Explaining the Place of Chastity and Hijab from the Perspective of Citizenship Rights, Tehran: Proceedings of the National Conference on Scientific and Applied Approaches to Chastity and Hijab, Al-Zahra University, pp. 26-1.
22. Hegel, Georges and Friedrich Wilhelm. (1957). Reason in History, Hamid Enayat, Tehran, Sharif University of Technology.
23. Imam Sadeq University website, <http://www.isu.ac.ir>.
24. Ja'farpour, Mahmoud. (2011). Conceptualism and Investigating the Variables Affecting the Acceptance of Virtual Social Networks and the Role of Public Institutions in Iran, Journal of Strategic Studies of Basij, No. 52, pp. 148-109. [Persian]
25. Jamrasi Farahani, Ali. (1995). Theoretical Concepts of National Security, Tehran: Governmental Training Center. [Persian]
26. Jansen, A. (2001). Democracy & Internet, Third World Quarterly, vol.22.NO.1.
27. Jonsson, Urban. (2003). Human Rights Approach to Development Programming, -UNICEF
28. Khaniki, Hadi. (2011). Social Networking Cyberspace, Concept and Functions, Quarterly Journal of Iranian Society of Information Society Studies, Volume 1, Issue 1, pp.96-70. [Persian]
29. Kohen, Karl. (1994). Democracy. Fariborz Majidi Translator, Tehran, Kharazmi Publishing Co. Publications.
30. Mahdavi, Abolghasem and Sajjad Barkhordari. (2006). Economic Capital and Economic Development (Case of Iran), Proceedings of the Conference on Social Capital and Development in Iran.
31. Malina, A. (2000) Can Website Change Citizens Retrieved on June 3, 2007 from [Www.Umich.Edu/Iuoai](http://www.Umich.Edu/Iuoai).
32. Mehdi Zadeh, Seyed Mohammad. (2009). Internet and Political Communication, Homeschooling Center for Education and Research, <http://www.hamshahrtraining.ir>.
33. Minavand Chal, Mohammad Gholi. (2002). Investigating the Capability and Functionality of the Internet as a Political Domain, Ph.D. in Political Science, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University.
34. Moein, Mohammed. (2007). Dean Culture, Tehran: Zarrin Publishing.
35. Momtaz, Farideh. (2004). Introducing the concept of class from the perspective of Bourdieu, Human Sciences Research Institute, No. 42-41, pp. 160-149.
36. Musaei, Meysam and Saeed Raei Sadighiani. (2008). Social Capital and Economic Development; A New Attitude Approach, Jasmine Strategic Quarterly, No. 17, pp. 75-57.
37. Nickpour, Amer and Associates. (2016). Spatial Analysis of the Pattern of Political Participation of Citizens in the 4th Amol Islamic Consultative Assembly. (2013). Geographical Research of Urban Planning, Vol. 4, No. 4, pp. 299-322.
38. Nye, Joseph (2004): The paradox of American power: why the world's only superpower can't go it alone, New York, oxford university press.
39. Pamela Ogwuazor Momah, Tunisia, Egypt (2013). "The Social Media and Political Activism". *Journal Humanities and Social Science*, Vol. 6.
40. Poornaqdi, Behzad and Arshad Bakhtiari. (2013). Cyber terrorism and its importance in disrupting international security, International Police Study, No. 14, pp. 46-29. [Persian]
41. Portes, A. (1998). Social Capital: Its origins and Applications in Modern Sociology, Annual Review of Sociology, 24(1) p6.
42. Putnam, R. (1995) "Bowling Alone: American's Declining Social Capital", Journal of Democracy, 6(1):65-78.
43. Rahmanzadeh, Seyed Ali. (2010). The Function of Virtual Social Networks in the Age of Globalization, Islamic Azad University, Gayam Dasht Unit, Volume 1, Issue 1, Pages 49-31. [Persian]. [Persian]
44. Raja'i, pharhang. (2000). the phenomenon of globalization; human condition and information civilization, translation by Abdolhossein Azarang, Tehran. Agah publication. [Persian]
45. Ravech, Liu. (2003). Hegel's Philosophy, Translation by Abdul Ali Dastgheib, Abadan: Parastesh Publishing. [Persian]

46. Rush, Michael. (1998). *Society and Politics: An Introduction to Political Sociology*, Translated by Manouchehr Sabouri, Tehran: Samt publication. [Persian]
47. Sadri, Mohammad Reza and Mohammad Taghi Karroubi. (2005). *Legal Dimensions of the Cyber Cycle in the Light of National Development*, Lecture Series and Articles of the First Legal Conference on Information and Communication Technology of the country. [Persian]
48. Sam Band, Meysam. (2011). *The Effect of New Media on Increasing or Reducing Political Participation*, Journal of Research, No. 50, pp. 181-163. [Persian]
49. Sardar Abadi, Khalil. (2004). *Study of the Impact of Mass Media, New Communication Technologies and Interpersonal Communications on Students Political Knowledge*, PhD thesis, Tarbiat Modarres University. [Persian]
50. Shabani, Ahmad. (2003). *the Information Society of Iran and its Confrontational Challenges Research Information Processing and Information Management*, Volume 19, Issue 1 & 2, pp. 7-1. [Persian]
51. Shabani, Nasser. (2011). *The role of virtual social networks in organizing sedition in 2009*, Journal of Cultural Endurance of the Islamic Revolution, vol. 4, No. 34, pp. 82-51. [Persian]
52. Sohrabi, Abolfazl and Gholam Reza Jandaghi. (2005). *Investigation of Social Factors Affecting Academic Loss in High School Students by Determining the Share of Factors*, Journal of Organizational Culture Management, Volume 3, Issue 1, pp.179-147. [Persian]
53. Storberg, J. (2002). *The Evolution of Capital Theory: A Critique of a Theory of Social Capital and Implications For HRD*, Human Resource Development Review; 1; 468
54. Tabibi Jebeli, Majid et al. (2017). *The Role of Social Networking in Political Culture in Iran (Case Study: Tehran University Students*, Iranian Social Development Studies Magazine, Vol. 10, No. 1, pp. 73-61. [Persian]
55. Tajbakhsh, Kian. (2005). *Social Capital, Trust, Democracy and Development*, Tehran, Shiraz Publishing House. [Persian]
56. Tavakoli, Morteza and Tajbakhsh, Kazem. (2008). *Analysis and analysis of rural development and social capital in urban and rural border areas of Sistan*, Quarterly Journal of Village Development, No. 2, pp. 162-143. [Persian]
57. Tavasoli, Gholam Abbas and Marzieh Mousavi (2005), *The concept of capital in the classical and the new views, with emphasis on social capital theories*, Social Sciences Letters, No. 26, pp. 32-1. [Persian]
58. *Technology Rights Newsletter*. (2003). *the emergence of the Information Society*, Committee on Technology Law Studies, Office of Presidential Technology Cooperation, No. 6. [Persian]
59. Winter, I. (2000). *Toward a Theorized Understand of Family Life and Social Capital*, Australian Institute of family Studies, Working Paper, No 21, and Sited in: [WWW.aifs.org.au](http://WWW.aifs.org.au).
60. Woolcock, M. and Narayan, D. (2000). *Social Capital: Implications for*.